

عنوان مقاله:

پژوهش تطبیقی زیوس و اهورامزدا

محل انتشار:

کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

شفق فلاح

خلاصه مقاله:

زروان، خدای زمانه، آرزو کرد فرزندی داشته باشد. از این آرزو نطفه فرزندی در او بوجود آمد که اهورامزدا بود. پس از مدتی در اینکه میتواند بچه دار شود، دچار تردید شد. از این تردید، نطفه فرزند دیگری بوجود آمد که اهریمن بود. اهریمن و اهورامزدا هر دو بطور همزمان در شکم او رشد میکردند. خدای زمان که از پیدایش فرزند دوم بی خبر بود، با خود گفت: وقتی فرزندم به دنیا بیاید، فرمانروایی زمین را برای هشت هزار سال به او می دهم. اهریمن که این را شنید، منتظر زایمان طبیعی نشد. شکم را دردید و بیرون آمد. زروان نگاه نا امیدانه ای به او کرد و گفت: تو فرزند من نیستی. فرزند من نورانی و خوشبو و با نزاکت است! دقایقی بعد، اهورامزدا به دنیا آمد. زروان او را شناخت و در آغوش گرفت ولی به خاطر عهدهی که بسته بود و سخنی که بر زبان رانده بود، ناگزیر شد حکمرانی زمین را برای مدت هشت هزار سال به اهریمن واگذار کند. هرچند میدانست شکم دریدن، غیر از زایمان است! آفرینش بر اساس باورهای ایران باستان در محدوده ی دوازده هزار سال اساطیری انجام میگردد. این دوازده هزار سال به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم میشود. در دوران نخستین، عالم، مینوی و در دورانهایی بعدی مینوی و گیتی (مادی، جسمانی، ملموس، این جهانی) است. از دیدگاه روانشناسی، فرمانروایی آسمان ها به قدرت کنترل و منطق نیاز دارد. مردانی که فرمانروای زندگی اند، اختیار همه چیز را به دست دارند و در این امر موفق هستند، صاحب شخصیتی زیوس گونه اند. کهن الگوی زیوس، فرد را مستعد زندگی کردن با سرش می کند. او منطقی و با اعتماد به نفس است و به وسیله کلمات ابراز وجود می کند. با اموری انتزاعی مثل پول، سرمایه، قانون یا قدرت و از قلب و احساسش جداست. بنا بر اسطوره های یونانی، زیوس رب النوع آسمان، رب النوع باران و زاینده ابرها بود. او بود که آذرخشهای دهشتناک می ساخت. قدرتش بیش از مجموع قدرت سایر رب النوع ها بود. او کوچک ترین فرزند کروئوس و ریا بود..

کلمات کلیدی:

اهورامزدا، زیوس، آفرینش، آذرخش، عقاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/608235>

